



## نقد و تحلیل فقهی بر تغلیظ دیه در ماه های حرام

علیرضا صابریان<sup>۱</sup>

### چکیده

اگر قتل در یکی از ماه های حرام صورت گیرد یک سوم دیه بر میزان تعیین شده افزون می گردد که از آن به تغلیظ دیه تعبیر می شود. موضوع تغلیظ دیه در فتاوی فقهای امامیه مورد اشاره واقع شده و به صورت عموم بین انواع قتل فرقی گذاشته نشده است. در قانون مجازات اسلامی برای همه انواع قتل ها ( عمد، شبه عمد و خطای محض ) تغلیظ دیه در نظر گرفته شده است. قرآن کریم حکم حرمت ماه های حرام را بیان نموده اما سخنی از تغلیظ دیه در آن دیده نمی شود.

این نوشتار ضمن باز کاوی روایات وارده در خصوص تغلیظ دیه در ماه های حرام با توجه به عدم صراحت روایات مربوط به تغلیظ دیه مقدر به میزان یک سوم در قتل خطایی و با توجه به عدم تحقق هتک حرمت در این نوع قتل به این نتیجه رسیده است که روایات تغلیظ دیه شامل قتل خطایی نمی شود و حکم تغلیظ دیه اختصاص به قتل عمد و شبه عمد دارد. آنچه که حکم تغلیظ دیه را در معرض تردید جدی قرار می دهد عدم صراحت روایات و فقدان عنصر قصد در قتل غیر عمدی است که انتهاک ( هتک حرمت ماه های حرام ) در این ماه صورت نمی گیرد و تغلیظ هم به دنبال آن منتفی می گردد.

کلید واژگان: تغلیظ دیه، ماه های حرام، قتل عمد، قتل شبه عمد.

---

<sup>۱</sup> - استادیارمجمع آموزش عالی شهید محلاتی

## مقدمه

قتل پدیده‌ای است که انسان از آغاز آفرینش تاکنون با آن مواجه بوده است. در وقوع این پدیده، گاهی قصد و اراده قبلی قاتل دخیل بوده و گاهی نیز بدون قصد و اراده قاتل به وقوع می‌پیوندد. آنچه که بر اساس مبانی شرعی دین مبین اسلام به عنوان یک اصل مورد توجه قرار می‌گیرد این است که «لایبطل دم امرء مسلم» (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۴/۱۰۶) خون هیچ مسلمانی ضایع نمی‌شود.

شاید بتوان براساس احکام فقهی اسلام دایره شمول این اصل را گسترده‌تر دانست و بر این عقیده بود که خون هیچ محقون‌الدمی ضایع نمی‌شود. بر همین اساس قاتل و یا متعهدان وی باید تاوان عملش را بپردازند؛ حال این تاوان با توجه به نوع قتل و کیفیت وقوع آن می‌تواند متفاوت باشد؛ چرا که اگر قتل عمدی باشد، تاوان آن مقابله به مثل یا همان قصاص است و اگر غیرعمدی باشد، تاوان آن پرداخت مال یا دیه خواهد بود. البته هر دوی آنها از سوی اولیای مقتول قابل گذشت بوده و همچنین مجازات قصاص با تراضی قاتل و اولیای مقتول قابلیت تبدیل شدن به دیه را دارد.

صرف نظر از آن که ماهیت حقوقی دیات را مجازات یا جبران خسارت و یا غیر این دو بدانیم، یکی از پرسش‌هایی که در خصوص پرداخت دیه - اعم از آن که بدل از قصاص باشد یا نباشد - مطرح می‌شود آن است که آیا زمان وقوع قتل اعم از عمدی یا غیرعمدی در تعیین میزان مالی که به عنوان دیه پرداخت می‌شود، مؤثر است؟ و به تعبیر دقیق‌تر از آنجا که به تصریح قرآن کریم برخی از ماههای سال، حرام نامیده شده است، «ان عدّه الشهور عند الله اثنا عشر شهرا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعه حرم...» (توبه / ۳۶) آیا دیه مقرر در مورد قتلی که در این ماه‌ها به وقوع می‌پیوندد، تغلیظ می‌شود؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا تغلیظ دیه در ماه‌های حرام به قتل عمد و شبه عمد اختصاص دارد یا آن که شامل قتل خطای محض نیز می‌شود؟

در این نوشتار به تحلیل و نقد مبانی و مستندات فقهی عظام شیعه پیرامون تغلیظ دیه در ماه‌های حرام پرداخته می‌شود. همچنین سعی بر آن است که با توجه به اهمیت موضوع، روایاتی که به نوعی به تغلیظ دیه و تشدید مجازات قتل در ماه‌های حرام اشاره دارند، مورد بررسی و دقت نظر قرار گیرد. بررسی این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که بر اساس قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران



قانون مجازات اسلامی) برای وقوع قتل در ماه های حرام حتی اگر خطای محض باشد، تغلیظ دیه به میزان یک سوم دیه کامل مقرر شده ( ماده ۲۹۹ ق.م.ا ) و این موضوع شبهاتی را در این خصوص بوجود آورده است. هدف از این پژوهش آن است که ضمن تدقیق مبانی تغلیظ دیه و تبیین آن بتواند نتیجه حاصل شده را که عدم تغلیظ دیه در قتل خطای محض است به محافل علمی و مراجع قانونگذاری عرضه نماید تا قانونگذاران در سیر مراحل قانونگذاری به اصلاح ماده مذکور اقدام نمایند.

### تعریف مفاهیم

۱- دیه در لغت و اصطلاح: واژه دیه به لحاظ لغوی مصدری است از ریشه «ودی» که واو از ابتدای آن حذف و « ه » در انتهای آن افزوده شده است. (ابن منظور، لسان العرب، ۱۵/۲۸۳). واژه هایی که از نظر ساختاری مشابه دیه محسوب می شود می توان از « عده » و « هبه » نام برد که آن دو به ترتیب از ریشه « وعد » و « وهب » است. راغب اصفهانی در معنای دیه می نویسد: «یقال لما يعطى فى الدم ديه» ( المفردات ، ۵۱۸ ) آنچه که در مقابل خون پرداخت می شود، دیه گفته می شود.

امام خمینی (ره) دیه را مالی می داند که به سبب جنایت بر نفس و جان فرد آزاد و یا جنایت بر کمتر از جان واجب می شود. (تحریر الوسیله ، ۲/۴۹۸). در ماده ۲۹۴ ق.م.ا نیز آمده است: « دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا ولی یا اولیای دم او داده می شود.»

۲. تغلیظ دیه: تغلیظ دیه از عباراتی است که فقهای عظام آن را بر اساس تعبیری برگزیده اند که در روایات منقول از معصومین - علیهم السلام - وارد شده است. تعبیری مانند « تُغَلِّظُ عَلَيْهِ الدَّيَّةُ » که در بخش بررسی مستندات این نوشتار بدانها اشاره خواهد شد. نویسنده کتاب معجم لغة الفقهاء تغلیظ را مصدر « غلظ » و مخالف « الرقة » و غلیظ را به معنای شدید قوی آورده و تغلیظ الدیه را به « زیادتها إمَّا بالوصف أو فى العدد » ( معجم لغة الفقهاء ، ۱۲۸ ) معنی کرده است. یعنی تغلیظ دیه به معنای اضافه کردن آن است ، یا افزودن به وصف آن ، مثل آنچه که در سن شتر برای دیه مطرح می شود و یا افزودن به تعداد آن ، مانند افزایش یک سوم به دیه می باشد.

موضوع تغلیظ در باب سوگند در محاکم قضایی نیز مطرح می شود که در آنجا نیز به معنای تشدید سوگند از نظر لفظی که به کار می رود یا از نظر مکان و یا زمان ادای آن است (همان) . البته به نظر می رسد که اگر دیه را مجازات بدانیم تغلیظ آن





می تواند چیزی غیر از آنچه که به عنوان دیه پرداخت می شود باشد به ویژه آن که ماهیت جنایت و جرم مختلف است چرا که به خاطر قتل دیه ثابت می شود و به دلیل انتهاک (هتک حرمت ماه های حرام) تغلیظ ثابت می گردد چنانچه شهیدثانی میگوید:

ولو قتل فی الشهر الحرام و هو احد الاربعه ذوالقعدة و ذوالحجه و المحرم و رجب او فی الحرم الشریف المکی زید علیه ثلث دیه من ای الاجناس کان لمستحق الاصل تغلیظاً علیه لانتهاکه حرمتها « اگر قتل در ماه های حرام یعنی یکی از چهار ماه ذی القعدة ، ذی الحجه ، محرم و رجب یا در حرم شریف مکی صورت گیرد یک سوم دیه از هر یک از اجناس به خاطر تشدید عقوبت به نفع مستحق اصل دیه بر آن افزوده می گردد چون قاتل حرمت آن ماه یا مکان شریف را هتک کرده است. (شرح لمعه ، ۱۸۲/۱۰)

**۳. تعریف انواع قتل:** در یک تقسیم بندی قتل را به سه دسته تقسیم می کنند که شامل قتل عمد، قتل شبه عمد و قتل خطای محض می شود (همان ، ۱۰۷/۱۰).

صاحب جواهر الکلام ضابطه تحقق هر یک از عناوین سه گانه قتل را به شرح زیر بیان می کند (نجفی ، جواهر الکلام ، ۴۳/۳)

الف) ضابطه تحقق عمد آن است که قاتل هم در فعل و هم در قتل قصد هر دو تعدد داشته باشد؛ به این معنی که هم فعل را و هم کشتن را قصد کند یا فعلی را قصد نماید که مانند آن فعل غالباً کشنده است.

ب) ضابطه شبه عمد آن است که قصد فعل داشته باشد اما قصد قتل فرد را نداشته باشد و فعل هم غالباً کشنده نباشد.

ج) ضابطه تحقق خطای محض آن است که نه قصد فعل داشته باشد و نه قصد قتل .

**۴- ماه های حرام:** با توجه به صراحت قرآن کریم چهار ماه به عنوان ماه های حرام یاد شده است که در این زمینه اختلافی مشاهده نمی شود.

قرآن کریم در آیه ۳۶ سوره توبه در این خصوص آورده است :

« انّ عدّه الشهور عند الله اثنا عشر شهراً فی کتاب الله یوم خلق السموات و الأرض منها أربعة حرم ذلک الدین الّقیم فلا تظلموا فیهنّ أنفسکم ...» یعنی همانا عدد ماه ها نزد خدا در کتاب خدا دوازده ماه است از آن روزی که خداوند آسمان ها و زمین را آفرید . چهار ماه از آن دوازده ماه، ماه های حرام خواهد بود. این دین استوار است، پس در آن ماه ها در حق خود ظلم و ستم نکنید.

کلمه حُرْم جمع حرام است و هر چیز ممنوعی را شامل می شود و مقصود از آن چهار ماهی است که جنگ در آن ها ممنوع شده است .

شیخ طبرسی ذیل آیه مذکور ضمن برشمردن ماه های چهارگانه مورد نظر، در بیان مفهوم « حُرْمٌ » می نویسد که گناه هتک حرمت ها در این ماه ها نسبت به ماه های دیگر بزرگ تر است و اعراب آن ماه ها را بزرگ می شمردند تا آنجا که اگر فردی با قاتل پدرش در این ماه ها مواجه می شد به واسطه حرمتی که این ماه ها داشتند به او حمله ور نمی شد (طبرسی، مجمع البیان، ۵/۴۲).

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه شریفه ضمن آن که مراد از ماه ها در این آیه شریفه را ماه های قمری می داند، آن چهار ماه را ذی القعدة، ذی الحجّه، محرم و رجب می شمارد (المیزان، ۹/۲۶۷).

در تفسیر نمونه آمده است:

بعضی از مفسران تحریم جنگ در این چند ماه را از زمان ابراهیم خلیل می دانند که در عصر جاهلیت عرب نیز به عنوان سنت به قوت خود باقی بود هر چند آنها طبق امیال و هوس های خود گاهی جای این ماه ها را تغییر می دادند ولی در اسلام همواره ثابت و لایتغیر است که سه ماه آن پشت سرهم « ذی القعدة، ذی الحجّه و محرم » و یک ماه جداست و آن « رجب » است و به قول عربها سه ماه « سرد (یعنی پشت سرهم) و یک ماه « فرد » است. (تفسیر نمونه، ۷/۴۰۶).

همچنین در آیه ۲۱۷ سوره بقره نیز در مورد حکم جنگ و خونریزی در ماه های حرام آمده است: « یَسْئَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ... » یعنی از تو درباره جنگ در ماه حرام سؤال می کنند، بگو جنگ در آن گران است ...

این آیات و همچنین آیات مشابه دیگر اشاره به حرمت ماه های حرام دارد و پیام این آیات نهی جنگ و قتال و خونریزی و ظلم و ستم روا داشتن به خود و دیگران است که این کارها باعث می شود حرمت آن ماه ها شکسته شود اما در این آیات سخنی از تغلیظ دیه در قتل به میان نیامده است.

### تغلیظ دیه در کلام فقها و قوانین موضوعه

اکثریت فقهای شیعه قائل به تغلیظ دیه در تمامی انواع قتل هستند و در این حکم بین انواع مختلف قتل اعم از عمد و شبه عمد و خطای محض تفکیک قائل نشده اند. محقق اردبیلی در این باره می نویسد: « لو قتل فی الشهر الحرام أو الحرم الزم دیه و ثلثاً » (مجمع الفائدة و البرهان، ۱۴/۳۱۸) یعنی اگر فردی، دیگری را در ماه حرام یا در حرم بکشد، ملزم به پرداخت یک دیه کامل و یک سوم دیه است.

علامه حلی نیز می نویسد:





لو قتل فی الشهر الحرام أو فی حرم مکة الزم دية و ثلثاً من أى الاجناس كان تغليظاً و الزائد للمقتول و لاتغليظ فی الطرف « اگر کسی در ماه حرام و یا در حرم مکة مرتکب قتل شود ملزم به پرداخت یک دیه و یک سوم دیه از هر جنسی از اجناس دیه که باشد خواهد بود این حکم از باب تغلیظ است و زاید بر یک دیه هم به مقتول اختصاص می یابد و در اعضاء تغلیظی نیست (قواعد الاحکام، ۲/۶۶۷).

### آیت الله خوئی (ره) همچنین می گوید:

دیه القتل فی الاشهر الحرم عمداً او خطاً دیه کامله و ثلثها من دون خلاف بین الفقهاء بل ادعی فی کلمات غیر واحد الاجماع علی ذلك و تدل علیه عدہ روایات « دیه قتل در ماه های حرام چه عمدی باشد و یا خطایی ، دیه کامل است به انضمام ثلث دیه و در این مسئله اختلافی بین فقهاء نیست بلکه در کلام بعضی از آن ها بر این مطلب ادعای اجماع شده است و برخی از روایات نیز بر این امر دلالت دارن (مبانی تکملة المنهاج، ۲۰۱-۲۰۰).

امام خمینی (ره) نیز معتقدند ارتکاب قتل در یکی از چهار ماه حرام و حرم مکة موجب تغلیظ دیه می شود (تحریر الوسيله، ۲/۵۵۸).

استناد این گروه از فقهاء که تغلیظ دیه را در مطلق قتل اعم از عمد و شبه عمد و خطای محض ثابت می دانند روایاتی است که در این زمینه وارد شده و اطلاق دارند و شامل انواع قتل می شوند که در مباحث بعدی به آن ها اشاره خواهد شد.

ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی از مشهور فقهاء تبعیت کرده و در تمام اقسام قتل ، قائل به تغلیظ دیه شده است آن جا که می گوید : «دیه قتل در صورتی که صدمه و فوت هر دو در یکی از چهار ماه حرام (رجب ، ذیقعد ، ذیحجه ، محرم) و یا در حرم مکة معظمه واقع شود علاوه بر یکی از موارد ششگانه مذکور در ماده ۲۹۷ به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود و سایر امکنه و ازمنه هر چند متبرک باشند دارای این حکم نیستند.»

قانون گذار در ماده مذکور تصریحی به عمد یا غیر عمد بودن قتل نکرده است . لذا قضات دادگاه ها یا به اطلاق ماده مذکور در صدور رای تغلیظ دیه در انواع قتل استناد می کنند و یا با مراجعه به آرای معتبر فقهاء به واسطه اختیار حاصله از اصل ۱۶۷ قانون اساسی ، به نظر مشهور فقهاء که همان تغلیظ در همه اقسام قتل است ، عمل می نمایند .

اداره ی حقوقی قوه قضائیه طی نظریه های مشورتی شماره ۷/۶۰۳۹ مورخ ۱۳۷۱/۷/۲۰ و شماره ۷/۲۱۵۶ مورخ ۱۳۶۶/۶/۱۶ به ترتیب اعلام داشته است که تغلیظ دیه ارتباطی به نوع قتل ندارد و ارتکاب قتل توسط صغیر نیز موجب تغلیظ است (مصلاحي، قانون مجازات اسلامی در آراء دیوان عالی کشور ، ۱۵۱).

## مبانی و مستندات فقها در تغلیظ دیه

روایات منقول از معصومین - علیهم السلام - تنها مستند فقها در حکم تغلیظ دیه به میزان یک سوم در باره قتلی است که در یکی از چهار ماه حرام واقع شود. اگر چه همه روایاتی که مورد بررسی قرار می گیرد مورد استناد فقها قرار نگرفته است اما در این نوشتار سعی شده تمامی روایاتی که به نوعی به تغلیظ دیه قتل در ماه های حرام اشاره دارند مورد بررسی سندی و دلالتی قرار گیرد ، بر همین اساس روایات به سه گروه تقسیم شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

**گروه اول:** روایاتی که به کلیت تغلیظ دیه و مجازات در قتل خطایی تصریح دارند:

روایت نخست : « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَجُوبٍ عَنْ ابْنِ رَبَّابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا خَطَأً فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ قَالَ تُغَلِّظُ عَلَيْهِ الدِّيَةَ وَ عَلَيْهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ أَوْ صِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحَرَمِ قُلْتُ فَإِنَّهُ يَدْخُلُ فِي هَذَا شَيْءٌ فَقَالَ وَ مَا هُوَ قُلْتُ يَوْمَ الْعِيدِ وَ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ قَالَ يَصُومُ فَإِنَّهُ حَقٌّ لِرَمَلِهِ. » ( شيخ كليني ، الكافي ، ١٠/٢٨٠ ) .

روایت مذکور از زراره نقل شده است. راوی می گوید : از امام صادق - علیه السلام - در باره مجازات فردی که مردی را در ماه حرام و به خطا بکشد، پرسیدیم. آن حضرت در پاسخ فرمودند : دیه بر او تغلیظ می شود و بر عهده اوست که بنده ای را آزاد سازد یا دو ماه پی در پی از ماه های حرام را روزه بگیرد. راوی می گوید به آن حضرت عرض کردم : در این صورت و با وجوب روزه مشکلی ایجاد خواهد شد. حضرت فرمودند: آن مشکل چیست ؟ عرض کردم : ( ایامی که باید روزه بگیرد ) با روز عید و ایام تشریق<sup>۱</sup> برخوردار می کند. (که روزه گرفتن در آن روزها حرمت دارد ) . حضرت در پاسخ فرمودند : روزه می گیرد چرا که این حکم حقی است که بر او لازم گردیده است.

روایت دوم : « مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَجُوبٍ عَنْ ابْنِ رَبَّابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا خَطَأً فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ قَالَ



۱ - سه روز بعد از عید قربان یعنی روزهای یازدهم ، دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجه را ایام التشریق گویند. حجاج در این سه روز برای انجام ر می جمرات در منی اقامت می کنند. ( فتح الله ، معجم الفاظ الفقه الجعفری ، ۷۸ : قلجی ، معجم لغة الفقهاء ، ۹۷ و ۴۶۰ ) .



تُعَلِّظُ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةُ وَعَلَيْهِ عَتَقُ رَقَبَةٌ أَوْ صِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ قُلْتُ فَإِنَّهُ يَدْخُلُ فِي هَذَا شَيْءٌ فَقَالَ وَمَا هُوَ قُلْتُ يَوْمَ الْعِيدِ وَأَيَّامِ التَّشْرِيقِ قَالَ يَصُومُ فَإِنَّهُ حَقٌّ لِرِمَّةٍ» (شيخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۴/۲۹۷).

تنها تفاوتی که این روایت با روایت اول دارد آن است که به جای عبارت «تُعَلِّظُ عَلَيْهِ الدِّيَّةُ» از «تُعَلِّظُ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةُ» استفاده شده است، یعنی مجازات بر وی تغلیظ می شود.

روایت سوم: در کتاب عوالی اللئالی همین روایت با اندکی تفاوت در عبارات آن آمده است. بدین صورت که: «(روی زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ خَطَأً فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ قَالَ تُعَلِّظُ عَلَيْهِ الدِّيَّةُ وَعَلَيْهِ عَتَقُ رَقَبَةٍ أَوْ صِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ أَوْ إِطْعَامٌ قُلْتُ فَيَدْخُلُ فِيهِ الْعِيدِ وَأَيَّامِ التَّشْرِيقِ قَالَ يَصُومُ فَإِنَّهُ حَقٌّ لِرِمَّةٍ» (عوالی اللئالی، ۳/۱۴۴).

این روایت قریب به همان الفاظ و عبارات روایت اول آمده است با این تفاوت که سلسله ی راویان ذکر نشده و در تغلیظ دیه قاتل را بین سه چیز مخیر دانسته است که سومین آن اطعام است و این قید اطعام در دو روایت قبلی ذکر نشده است.

### بررسی سندی و دلالتی روایات

از جمله نکات قابل توجه در خصوص این روایات آن است که هیچ یک از فقهای عظام شیعه در باب تغلیظ ثلث دیه به روایات مذکور استناد نکرده اند اما در مبحث مربوط به حرمت روزه گرفتن در ایام تشریق و عید، همچنین در خصوص وجود کفاره بر قاتل در صورت ارتکاب قتل در یکی از ماه های حرام، این روایت را مورد بررسی قرار داده اند. اکثر فقهای شیعه معتقدند که روزه گرفتن در ایام تشریق در منی حرام است (مستندالشیعه، ۱۰/۵۰۹) اما شیخ طوسی (ره) یک مورد را استثنا کرده است (شیخ طوسی، النهایه، ۱۶۶) و آن روزه گرفتن قاتلی است که به خطا کسی را به قتل رسانده باشد و به عقیده شیخ، به استناد روایت مذکور قاتل مجاز است در ایام تشریق هم روزه بگیرد.

فقهایی که روزه گرفتن در ایام تشریق در منی را به طور مطلق حرام می دانند معتقدند علاوه بر آن که روایات مذکور از نظر دلالت بر مطلوب ضعف دارد از نظر سند نیز ضعیف محسوب می شود، چرا که در سلسله راویان آن سهل بن زیاد وجود دارد و فقهای شیعه به واسطه وجود این راوی آن را از جمله روایات ضعیف تلقی کرده اند (مسالك الافهام، ۱۰/۱۱۸؛ مجمع الفائده، ۵/۲۱۱). جالب توجه آن است که شیخ طوسی (ره) خود نیز در کتاب الاستبصار روایات سهل بن زیاد الادمی (ابوسعید) را ضعیف معرفی کرده است. ایشان در این باره و در ذیل روایت مربوط به ظهار می نویسد:



« اما الخبر الاول فروايه ابوسعید الادمی و هو ضعیف جداً عند نقاد الأخبار » (الاستبصار، ۲/۲۶۱) خبر اول روایت ابوسعید (سهل بن زیاد) است که آن خبر نزد نقد کنندگان روایات جداً ضعیف محسوب می شود. سید خویی (ره) نیز در باره روایت مذکور می نویسد:

فإنها وإن دلت على التخيير بين العتق و الصيام إلّا أنها ضعيفه سنداً فإن في سندها سهل بن زیاد و هو لم يثبت توثيقه و لامدحه فإذن لا يمكن الاعتماد عليها أصلاً، این روایت اگر چه بر تخیر قاتل بین آزاد کردن بنده و روزه گرفتن دلالت دارد اما از نظر سند ضعیف است؛ چرا که در سند آن سهل بن زیاد است که وثاقت و ستایشی از وی ثابت نیست؛ بنابراین اصلاً نمی توان به آن روایت اعتماد کرد (مبانی تکملة المنهاج، ۲/۲۰۳)

محقق اردبیلی در بحث مربوط به تغلیظ دیه اگر چه به این روایت استناد نمی کند اما در باره آن تعبیری را بکار می گیرد که حکایت از صحیح بودن روایت مذکور در نزد ایشان دارد. او می نویسد: « وفي الفقيه بعد نقل صحيحه زراره في لزوم صوم العید وأيام التشريق في كفارة القتل في أشهر الحرم ... » (محقق اردبیلی، مجمع الفائدة، ۱۴/۳۱۸). ایشان طی عبارت مذکور روایتی را که در کتاب من لایحضره الفقیه از زراره نقل شده است - مبنی بر آن که در کفاره قتل در ماه های حرام روزه عید و ایام تشریق لازم می باشد - صحیحه نام برده است (همان).

شاید فرازی که بتوان از آن برای استنباط افزایش یا همان تغلیظ دیه بدان استناد کرد، عبارت « تَغْلَظُ عَلَيْهِ الدِّيَّةُ » باشد. اما نکته قابل ذکر آن است که آیا مراد از تغلیظ دیه افزایش مبلغ دیه است یا این که منظور آن است که علاوه بر دیه، مجازات شخصی و غیر مالی دیگری نیز برای وی در نظر گرفته می شود که آن مجازات عبارت است از این که جانی بنده ای را آزاد سازد و یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد و البته براساس سومین روایت جانی می تواند اطعام مسکین را برگزیند. به نظر می رسد برداشت دوم دور از ذهن و غیر محتمل نباشد؛ به ویژه با توجه به عبارت متفاوتی که در روایت دوم آمده است مبنی بر آن که « تَغْلَظُ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةُ » یعنی مجازات بر جانی تغلیظ می شود.

این روایت صرف نظر از ضعف سندی که دارد و مورد استناد فقها در تغلیظ دیه قرار نگرفته است اما بر قتل خطایی تصریح دارد، بدین معنی که اگر کسی در یکی از ماه های حرام مرتکب قتل خطایی شود دیه بر او تغلیظ می شود؛ لذا یکی از سؤالات قابل طرح آن است که آیا تشدید مجازات و تغلیظ دیه با انجام فعلی که از روی خطا سر زده باشد، تناسب دارد؟



نویسنده کتاب مجمع الفائده و البرهان در بحث مربوط به روزه حرام ضمن بیان این که روزه دو عید (قربان و فطر) حرام است به نقل از نویسنده کتاب المنتهی آن را به کافه علما نسبت می دهد و به فتوای شیخ طوسی در این باره \_ روزه قاتلی که در ماه حرام مرتکب قتل می شود \_ اشاره دارد مبنی بر آن که روزه وی در روز عید قربان حرام نیست و به روایت مذکور به عنوان روایت مورد استناد شیخ اشاره و علاوه بر ذکر ضعف سندى در بیان اشکال دلالتی آن آورده اند: «ولا یناسب تغلیظ الدیة أيضاً لكون القتل خطأ» (همان، ۵/۲۱۲) یعنی همچنین به دلیل آن که قتل خطایی است، تناسبی با تغلیظ دیه ندارد. از این کلام استفاده می شود که گویا محقق اردبیلی تغلیظ دیه در قتل خطایی را مناسب نمی دانند.

**گروه دوم:** روایاتی که به تغلیظ دیه به میزان یک سوم در مطلق قتل اشاره دارد. روایت نخست: «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ كَلْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَقُولُ مَنْ قَتَلَ فِي شَهْرِ حَرَامٍ فَعَلَيْهِ دِيَةٌ وَ ثُلُثٌ.» (تهذيب الاحكام، ۱۰/۲۱۵).  
کلب ابن معاویه نقل می کند که از امام صادق - علیه السلام - شنیدم که فرمودند: هر کس در ماهی حرام مرتکب قتل شود یک دیه و یک سوم دیه بر عهده اوست.  
روایت دیگری که دقیقاً به همین معنی است و با عبارتی نزدیک به آن در کتب «من لایحضره الفقیه» (شیخ صدوق، ۴/۱۰۷) و «عوالی اللثالی» (ابن ابی جمهور، ۳/۶۱۱) نیز نقل شده است.

روایت دوم: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ كَلْبِ بْنِ الْأَسَدِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَنِ الرَّجُلِ يُقْتَلُ فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ مَا دِيَّتُهُ قَالَ دِيَةٌ وَ ثُلُثٌ.» (کلینی، الکافی، ۷/۲۸۲؛ وسائل الشیعه، ۲۹/۲۰۳).  
کلب اسدی می گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم دیه مردی که در ماه حرام کشته می شود، چه میزان است؟ فرمودند: یک دیه و یک سوم دیه.

روایت دوم در سلسله راویان با روایت نخست متفاوت است. به علاوه آن که روایت دوم به صورت پرسش و پاسخ نقل شده است؛ اما از نظر مفاد، تفاوتی بین آن دو نیست. عین همین روایت را القاسم بن محمد الجوهری نیز از کلب اسدی نقل کرده است (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ۴/۹۷).

روایت سوم: علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن ابن ابي عمير، عن ابيان بن تغلب، عن زراره قال: قلت لابي جعفر - عليه السلام - : رجل قتل رجلا في الحرم؟ قال: عليه دية وثلث ويصوم شهرين متتابعين من أشهر الحرم ويعتق رقبة ويطعم ستين مسكينا، قال: قلت: يدخل في هذا شيء، قال: وما يدخل؟ قلت:

العیدان وایام التشریق ، قال : یصومه فإنه حق لزمه» زراره می گوید از امام باقر (ع) در باره فردی سؤال کردم که مردی را در حرم ( یا ماه های حرام ، بر اساس اختلافی که در تلفظ آن وجود دارد ) بکشد سؤال کردم ، آن حضرت فرمودند : بر عهده اوست که یک دیه کامل بعلاوه یک سوم دیه را بپردازد و دو ماه پیایی از ماه های حرام را روزه بگیرد و بنده ای را آزاد سازد و شصت مسکین را اطعام نماید. راوی می گوید به حضرت عرض کردم مشکل در این مسأله وارد می شود. امام فرمودند: چه مشکلی؟ راوی می گوید عرضه داشتم : روزه دو عید و ایام تشریق ( که روزه گرفتن در آن روزها حرام است ) داخل در حکم لزوم دو ماه پیایی می شود. حضرت فرمودند: آن روزها را روزه می گیرد ، چون حقی است که بر وی لازم گردیده است. ( کلینی ، الکافی ، ۴/۱۳۹ ؛ حرعاملی ، وسائل الشیعه ، ۱۰/۳۸۰ ).

همین روایت با دو مورد تفاوت در کتب روایی تهذیب الاحکام و وسائل الشیعه نیز نقل شده است. تفاوت اول در سلسله راویان آن است که به جای « ابان بن تغلب » ، « ابان بن عثمان » آمده است و او هم با واسطه از امام صادق (ع) نقل کرده اند و تفاوت دیگر در عبارت « قلت العیدان » است که به جای آن « قلت العید » ذکر شده است ( شیخ طوسی ، تهذیب الاحکام ، ۱۰/۲۱۶ ؛ حرعاملی ، وسائل الشیعه ، ۲۹/۲۰۴ )

### بررسی سندی و دلالتی روایت

روایات اول و دوم که کلیب الاسدی آنها را از امام صادق - علیه السلام - نقل کرده است، از مهم ترین و شاید بتوان گفت تنها مستند فقهای شیعه در صدور حکم تغلیظ یک سوم دیه ی قتل است که در ماه های حرام واقع می شود. به همین جهت بررسی آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بر اساس بررسی رجال حدیثی ، کلیب الاسدی همان کلیب بن معاویه الاسدی است ( لوح فشرده المعجم ، بخش رجال ) نویسنده کتاب ملاذ الأخبار در خصوص این روایت که از طریق کلیب اسدی نقل شده است، می نویسد :

لا یخفی أن هذه الروایه وردت عن کلیب بطرق متعدده ... أكثرها صحیح الی کلیب، و أما کلیب فهو من الحسان المعتمده كما فی تنقیح المقال، قال: و له کتاب یرویه جماعه من الأجلءاء مثل صفوان و ابن أبی عمیر و غیرهما من أعاطم الأصحاب. هذا مضافا إلی جیران ضعفه إن كان یعمل الأصحاب فلا إشکال فی المسأله، مخفی نیست که این روایت از کلیب به طرق متعدده وارد شده است که اکثر آنها تا کلیب صحیح هستند و اما کلیب از افراد حسن قابل اعتماد محسوب می شود همان طور که در کتاب تنقیح المقال آمده





است وی دارای کتابی است و گروهی از بزرگان مثل صفوان و ابن ابی عمیر و غیر آن دو از بزرگان شیعه از آن کتاب روایت کرده اند. این مسأله علاوه بر آن است که وقتی اصحاب به روایت عمل کرده باشند ضعف آن جبران می شود پس اشکالی در این مسأله (عمل به روایت) نیست (ملاذ الاخبار، ۱۶/۴۵۷).

آیت الله خویی (ره) در کتاب الصلاة و مبحث مربوط به نماز میت روایتی را که کلیب اسدی طی آن از امام صادق - علیه السلام - در باره تکبیر بر میت نقل می کند و پس از آن در خصوص اعتبار آن می نویسد: «انها ضعیفه السند بکلیب الاسدی لعدم توثیقه.» (موسوی خویی، کتاب الصلاة، ۹/۸۶). یعنی به واسطه حضور کلیب اسدی در جمع راویان این روایت ضعیف محسوب می شود؛ چرا که وی مورد توثیق واقع نشده است. این اظهار نظر مرحوم خویی در حالی است که در بیان ادله مربوط به تغلیظ دیه قتل در ماه های حرام ضمن استناد به روایت کلیب اسدی از آن به «صحیحہ کلیب الاسدی» تعبیر نموده است. (میانی تکمله المنهاج، ۲/۲۰۰).

اما در خصوص روایت سوم نکاتی قابل ذکر به نظر می رسد:

۱- اولین فقیهی که به این روایت علاوه بر مبحث روزه های حرام در باب تغلیظ دیه نیز بدان اشاره کرده است، صاحب کتاب جواهر الکلام است (نجفی، جواهر الکلام، ۴۲/۲۶) و تمامی فقهای قبل از ایشان که این روایت را در کتب فقهی خود آورده اند، به نقل از شیخ طوسی آن را دلیل بر عدم حرمت روزه در عید قربان و ایام تشریق در منی دانسته اند که مشهور فقها استناد به این روایت و روایات مشابه را برای اثبات این ادعای شیخ کافی و قابل قبول ندانسته اند (عامی، مدارک الاحکام، ۶/۲۵۲). البته صاحب جواهر و معدود فقهای که پس از وی در تغلیظ دیه به این روایت اشاره کرده اند، آن را مربوط به تغلیظ دیه قتلی دانسته اند که قاتل در حرم کعبه مرتکب آن شود، نه در ماه های حرام (نجفی، همان).

۲- این روایت همانند روایات اول و دوم مذکور در این بحث به تغلیظ دیه در مطلق قتل و بدون مشخص کردن نوع آن اعم از عمدی و غیر عمدی اشاره دارد.

۳- راوی این روایت بر خلاف دو روایت قبلی، زراره است و همان طور که ذکر شد این روایت از بین کتب اربعه در اصول کافی و تهذیب الاحکام ذکر شده است.

۴- سید خویی (ره) نقل نخست از روایت سوم را ضعیف می داند و در باره آن می نویسد:

وهی ضعیفة، فان ابن ابی عمیر لا یمكن أن یروی عن أبان بن تغلب بلا واسطة وبما ان الواسطة مجهولة فالروایة ضعیفة، این روایت ضعیف محسوب می شود، زیرا ممکن نیست «ابن

ابی عمیر» بدون واسطه از «أبان بن تغلب» روایت کند و چون واسطه بین این دو راوی معلوم نیست، لذا روایت ضعیف محسوب می شود (خویی، کتاب الصوم، ۲/۲۶۸).  
ایشان در ادامه، شبهه سرایتِ ضعفِ این حدیث را به روایتِ دیگری که نزدیک به همین مضمون آمده است منتفی می داند و می فرماید:

ضعف این روایت به روایتی که شیخ طوسی در تهذیب نقل کرده است، سرایت نمی کند، زیرا که آنها دو روایتی هستند یکی از آن دو از امام صادق (ع) است و آن را «ابن ابی عمیر» بدون واسطه از «ابان بن عثمان» روایت نمود و دیگری از امام باقر (ع) است که آن را «ابن ابی عمیر» با واسطه ای (نامعلوم) از «أبان بن تغلب» روایت کرده است.

ایشان می نویسند:

با فرض آن که بپذیریم این دو روایت (در صورت نقل روایت سوم) یکی هستند، پس بناچار باید روایتی که شیخ طوسی نقل کرده است را صحیح بدانیم و به وقوع تحریف در نسخه های کافی ملتزم شویم؛ زیرا که روایت ابان بن تغلب از زراره معلوم نیست و در کتب اربعه غیر از این روایت، هیچ روایت دیگری ابان بن تغلب از زراره نقل نکرده است (همان).

۵. یکی از اشکالاتی که صاحب جواهر به روایتی که ابان بن تغلب از زراره نقل کرده است وارد می داند آن است که در این روایت تعبیر «العیدان» آمده است در حالی که در ماه های حرام فقط یک عید وجود دارد و آن عید قربان است (نجفی، جواهر الکلام، ۴۳/۲۸).

۶. در باره واژه «الحرم» که در سؤال راوی مطرح شده است این که (رجل قتل رجلاً فی الحرم) صاحب جواهر به دو دلیل احتمال آن که حرف حاء و راء در آن مضموم باشد و جمع مکسر «الحرام» و به عنوان صفت برای «الاشهر» باشد را منتفی نمی داند (ممو، همان، ۴۳/۲۷). دلایل ایشان به شرح زیر است:

الف) نسخه ای از اصول کافی که جداً معتبر است نزد من است که واژه مذکور را با دو ضمه «الحُرْمُ» حرکت گذاری کرده است.

ب) قسمت پایانی روایت که آمده است: «قال: یصوم شهرین متتابعین من أشهر الحرم ...» مؤید همین مطلب است؛ چرا که کفاره قاتل مربوط به قتلی است که در یکی از ماه های حرام واقع شود نه در حرم.

روایات مذکور بر تغلیظ یک سوم به دیه مقرر برای قتل تصریح دارد؛ اما یکی از نکات قابل ذکر آن است که آیا این روایات در قتل عمد اشاره دارد یا آن که شامل قتل غیر عمد نیز می شود؟





در پاسخ باید گفت آنچه که از اطلاق این روایات برمی آید آن است که در کلام قیدی که ما بتوانیم از آن برای اختصاص روایات به قتلی خاص بهره بگیریم وجود ندارد، لذا به استناد اصالة الاطلاق می توان به این اعتقاد تمایل یافت که مراد از قتل در این روایات اعم از عمد و شبه عمد و خطای محض است همان طور که برخی از فقها به تغلیظ دیه در تمامی انواع قتل تصریح نموده اند (حسینی روحانی، فقه الصادق، ۲۶/۱۹۱).

البته این اعتقاد خالی از اشکال به نظر نمی رسد از جمله آن که یکی از عناصر مهم تعیین مجازات و حتی تشدید آن عنصر قصد است. بنابراین وقتی در قتل خطای محض قاتل قصدی نسبت به کشتن مقتول نداشته است، چطور ممکن است علاوه بر آن که دیه مقرر بر وی را مجازات دانست، فراتر از آن مجازات قاتل غیرعامد را تغلیظ نمود؟ همچنین با توجه به آن که دأب شارع مقدس به واکنش و شدت عمل بیشتر در مقابل جانی عامد در مقایسه با جانی غیرعامد است، چطور ممکن است میزان افزایش دیه از باب تغلیظ در همه انواع قتل مثل هم باشد؟ اگر بپذیریم سبب تغلیظ دیه قتل در ماه های حرام آن گونه که برخی از فقها گفته اند (شهید ثانی الروضه البهیة، ۱۰/۱۸۲) هتک حرمت و یا همان انتهاک باشد؛ با فقدان عنصر قصد در قتل غیر عمدی چگونه ممکن است هتک حرمت ماه های حرام تحقق یابد؟ اگر براساس روال جاری و تصریح برخی از فقها (نجفی، جواهر الکلام، ۴۳/۲۹)، اولیای مقتول را مستحق بهره مندی از افزایش دیه بدانیم، جای طرح این سؤال وجود دارد که هتک حرمت ماه هایی که شارع مقدس برای آن حرمتی قائل شده است، چه ارتباطی به اولیای مقتول پیدا می کند؟

با توجه به اشکالات مذکور آیا می توان به نوعی تغلیظ دیه مصرح در این روایات را به قتل عمد و شبه عمد اختصاص داد؟ در بررسی و یافتن پاسخ این سؤال اساسی و مهم باید اشاره نمود که اگر بخواهیم فقط به این روایات و بدون عنایت به سایر روایات وارده در این خصوص و همچنین بدون توجه به قواعد و اصول حقوقی حاکم بر روابط اجتماعی انسانها توجه کنیم احتمالاً به همان نتیجه ای دست خواهیم یافت که اغلب فقها بدان رسیده اند؛ لذا سعی خواهد شد در پاسخ به سؤال و با توجه به سایر مبانی و مستندات مذکور، این روایات مورد بررسی قرار گیرد.

ممکن است گفته شود که روایت کلیب در مرحله نخست بر قتل غیر عمدی دلالت دارد و دلالت آن بر قتل عمدی در مرحله بعدی و به طریق اولی خواهد بود، چرا که حکم اولی در قتل عمد قصاص است نه دیه و همین که حضرت صادق - علیه السلام در پاسخ به سؤال سائل دیه را مطرح کرده اند، بیانگر غیر عمدی بودن قتل است. در

پاسخ می توان گفت درست است که حکم اولی در قتل عمد قصاص است ولی ظاهراً روایات در پاسخ به سؤالی راجع به میزان دیه قتل بوده است لذا می توان فرض را براین گرفت که اولیای دم در قتل عمد از قصاص صرف نظر نموده و به دریافت دیه راضی شده اند. به علاوه به نظر می رسد لسان روایات به گونه ای است که در قتل عمدی نیز دیه را مطرح کرده باشند. به عنوان نمونه آیت الله خوبی در راستای ذکر مؤیدی برای حکم کفاره جمع در قتل عمد به روایتی استناد می کند که می توان از آن نتیجه گرفت که در قتل عمد نیز روایات به پرداخت دیه اشاره دارند ، لذا به دلیل ذکر پرداخت دیه در روایات نمی توان الزاماً نتیجه گرفت که مراد از روایت قتل غیرعمد است. روایت مورد نظر این گونه است :

ابوبکر الحضرمی قال : قلت لأبي عبدالله - عليه السلام - رجل قتل رجلاً متعمداً قال جزاءه جهنم قال قلت له: هل له توبه؟ قال نعم يصوم شهرين متتابعين و يطعم ستين مسكيناً ، و يعتق رقبة ، و يؤدي دية، از حضرت در باره مجازات اخروی گناه فردی که عمداً دیگری را به قتل رسانده است سؤال شده است که فرمودند: مجازاتش جهنم خواهد بود. راوی می پرسد که آیا برای وی فرصت توبه ای هست؟ حضرت فرمودند بلی در صورتی که دو ماه روزه بگیرد و شصت مسکین را اطعام نماید و بنده ای را آزاد کند و دیه مقتول را بپردازد توبه او پذیرفته می شود. عبارت « يؤدي دية » در حالی ذکر می شود که نوع قتل عمدی است ؛ پس نمی توان به صرف ذکر عباراتی مشابه نوع قتل را غیرعمد دانست (موسوی خوبی ، مبانی تکملة المنهاج ، ۲/۲۰۰).

**گروه سوم:** روایاتی که فقط به روزه گرفتن - به عنوان تشدید مجازات -

اشاره دارد

برخی از روایات که از امام صادق و امام باقر - علیهما السلام - نقل شده اند و زراره به عنوان راوی بلافصل از آن دو امام است، قاتلی را که در ماه حرام مرتکب قتل می شود ، مکلف به دو ماه پیاپی روزه گرفتن در همان ماه های حرام می داند.

روایت نخست: « عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَقُولُ إِذَا قَتَلَ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ حَرَامٍ صَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ » (تهذيب الاحكام ، ۱۰/۲۱۶)

زراره می گوید از امام باقر - عليه السلام - شنیده ام که می فرمود: هر گاه مردی در ماه حرامی مرتکب قتل شود، دو ماه پیاپی از ماه های حرام را روزه بگیرد.

محقق اردبیلی در ضمن نسبت دادن لزوم روزه گرفتن قاتل در روز عید قربان و ایام تشریق به شیخ طوسی با بیان این روایت به عنوان مستند شیخ از آن به





« صحیحہ » تعبیر کرده است. (مجمع الفائده ، ۱۳/۴۰۷) این همان تعبیری است که آیت الله خویی نیز آن را بکار برده است (مبانی تکمله المنهاج ، ۲/۲۰۲).

براساس این روایت به نظر می رسد امام (ع) ، مجازات اصلی جانی و قاتل که همان دیه یا قصاص باشد را مفروعاً عنه گرفته و به تکلیفی مضاعف اشاره دارد که همان روزه گرفتن به مدت دو ماه است که هم باید پیاپی و هم از ماه های حرام باشد. در این روایت نیز قتل به طور مطلق آمده و نوع خاصی از آن ذکر نشده است.

روایت دوم : « الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا خَطَأً فِي أَشْهُرِ الْحُرْمِ قَالَ عَلَيْهِ الدِّيَّةُ وَ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ قُلْتُ إِنَّ هَذَا يَدْخُلُ فِيهِ الْعِيدُ وَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ فَقَالَ يَصُومُهُ فَإِنَّهُ حَقٌّ لِرَمَّةٍ » (شیخ طوسی ، تهذیب الاحکام ، ۱۰/۲۱۶ ؛ شیخ صدوق ، من لایحضره الفقیه ، ۴/۱۱۰ ؛ حرعاملی ، وسائل الشیعه ، ۲۹/۲۰۴).

راوی نقل می کند که از حضرت صادق - علیه السلام - در باره مجازات فردی که مردی را در یکی از ماه های حرام به خطا می کشد ، سؤال کردم که آن حضرت فرمودند: بر عهده قاتل است که دیه را بپردازد و دو ماه پیاپی از ماه های حرام را روزه بگیرد. راوی می گوید به حضرت عرض کردم با وجوب دو ماه روزه پیاپی در ماه حرام موجب می شود که عید قربان و ایام تشریق (که روزه در آن روزها حرام است) در آن وارد شوند. امام فرمودند : باید آن روزها را روزه بگیرد ، زیرا این حقی است که بر وی لازم گردیده است.

برخی از فقهای شیعه علی بن رباب را به عنوان راوی ثقة دانسته و حتی روایات ایشان را صحیحہ معرفی کرده اند. (محقق اردبیلی ، مجمع الفائده ، ۶/۱۳۸). در هامش کتاب نهاییه المرام ذیل روایتی که علی بن رباب یکی از روات آن بوده ، آمده است : نجاشی وی را توثیق نکرده اما شیخ طوسی (ره) او را مورد توثیق قرار داده است (عاملی ، نهاییه المرام ، ۱/۱۴۰).

آنچه در این روایت جلب نظر می کند آن است که در قتل خطایی که در ماه حرام واقع شود اساساً بیش از یک دیه کامل بر عهده جانی قرار نمی گیرد.

### جمع بندی روایات

با بررسی هر سه گروه از روایات مذکور جمع بندی زیر بدست می آید:  
۱- از مجموع روایات ذکر شده برخی از آنها در باب تغلیظ دیه مورد استناد فقها قرار گرفته است. روایات گروه اول که به تغلیظ دیه و یا تغلیظ عقوبت و مجازات در





قتل خطایی اشاره دارد ، یا به دلیل ضعف سندی آن و یا به خاطر آن که به افزایش ثلث دیه اشاره ندارد ، مورد عنایت و توجه فقها در این باب قرار نگرفته است. روایات گروه سوم هیچ صراحتی به تغلیظ یک سوم دیه ندارد و مطلقاً هستند که حمل بر مقیدات شده و فقها به صورت مستقل به این روایات استناد نکرده اند.

بنابراین فقها برای اثبات تغلیظ دیه به میزان یک سوم در پی قتلی که در یکی از ماه های حرام به وقوع بپیوندد ، فقط به روایات گروه دوم به ویژه دو روایت نخست آن استناد کرده اند.

۲- یکی از نکاتی که در مقایسه ی بین این سه گروه از روایات می توان اشاره کرد آن است که مطابق مبنای مشهور از فقها که عمل اصحاب به یک روایت - اگر چه ضعیف باشد - را موجب تقویت آن دانسته به گونه ای که آن را جابر ضعف سند روایت مورد نظر می دانند، بر این اساس این وجه رجحان در روایات گروه دوم از نظر سندی به چشم می خورد ؛ زیرا که اغلب فقها در بحث تغلیظ دیه به دو روایت نخست گروه دوم عمل کرده اند.

۳- صاحب کتاب کشف اللثام تغلیظ دیه را مختص به قتل عمد می داند. ایشان در تغلیظ دیه قتلی که در ماه های حرام اتفاق بیفتد صورت مسأله را به گونه ای مطرح می کند که حکایت از اعتقاد وی به تغلیظ دیه به میزان یک سوم در قتل عمد دارد ؛ چرا که در موضوع مورد نظر اشاره دارند که اگر قتلی در یکی از ماه های حرام واقع شود و اولیای دم بخواهند از قاتل دیه بگیرند ، بر عهده قاتل است که یک دیه به خاطر قتل و یک سوم دیه به خاطر هتک حرمت ماه حرام بپردازد اما اگر طلب قصاص کنند قاتل کشته می شود. ایشان در عبارتی صریح تر آورده اند : « الظاهر اختصاص ذلک بالعمد كما تشعر به عبارة النهاية و تعلیل الأصحاب بالانتهاک و بدل علیه الاصل فیتصر فی خلافه علی یقین». ظاهر آن است که حکم تغلیظ دیه به میزان یک سوم به قتل عمد اختصاص دارد، همان طور که عبارت شیخ در النهایه و تعلیل فقهای امامیه به انتهاک بدان حکایت دارد و اصل (برائت) بر این امر دلالت دارد و در مورد خلاف اصل به مورد یقین بسنده می شود (فاضل هندی ، کشف اللثام ، ۲/۴۹۶).

صاحب جواهر الکلام با ذکر عبارت کاشف اللثام بعد از اندکی تردید در این حکم ، در نهایت به این نتیجه می رسد که اجرای اصل عملی (برائت) بدون مانع است آن جا که می گوید : « فالاصل حیثینذ بحاله » (نجفی ، جواهر الکلام ، ۲۸/۴۲۰).



همچنین ایشان علت تغلیظ دیه را هتک حرمت ماه های حرام دانسته و با بیان این علت ، حکم را تعمیم داده و حکم تغلیظ دیه را شامل قتل در مرقد های ائمه معصومین علیهم السلام نیز غیر بعید دانسته است آن جا که می گوید :

و لا یبعد الحاق المراقد المنوره بذلك فی التغلیظ كما هو محتمل النهایه بل فهمه منها غیر واحد و ان انکره ابن ادریس حاملا لعباره الشیخ علی غیره لعدم الدلیل علی ذلك من کتاب او سنه او اجماع لکن فیہ ان من المعلوم کون التغلیظ المزبور لانتهاک الحرمه الی هی فیها اشد فی الحرم قطعاً لذا حکى عن المقداد ذلك مستدلاً بالتنقیح و ان المنقح له العقل و الاولویة العرفیه لان مراقدهم افضل من مکة فیکون افضل من الحرم، یعیید نیست الحاق مرقد های نورانی به قتل در حرم در حکم تغلیظ دیه ، همان گونه که در کتاب نهاییه (علامه حلی) احتمال داده شده است بلکه تعدادی از فقها این مطلب را استنباط کرده اند اگرچه ابن ادریس در نقل عبارت شیخ طوسی این امر را انکار نموده است و علت انکار را عدم دلیل از کتاب و سنت و اجماع دانسته است و لکن اشکال در این سخن آن است که علت تغلیظ مذکور به خاطر هتک حرمت است و این هتک در مرقد های شریف، به دلیل قطعی شدیدتر از حرم مکة است و لذا از فاضل مقداد حکایت شده است که ایشان با تنقیح مناط و با حکم عقل و اولویت عرفی این شدت را اثبات کرده است که مرقد های شریف ائمه (علیهم السلام) افضل از مکة است ، پس افضل از حرم می باشد (همان ، ۲۹).

با همین دیدگاه سید محمد کلانتر در شرح عبارت شهید اول و شهید ثانی که قائل به تغلیظ دیه در مطلق قتل هستند می گوید:

ظاهر العبارة ان تغلیظ الحکم عام یشمل قتل العمد و شبیه العمد و الخطا و لکن انتهاک الحرمه فی الاخیرین غیر مسلم. ان انهما لایقصدان انتهاک الحرمه، بل لم یکن من قصدهما القتل ابداً فلا یصدق فی فعلهما انتهاک الحرمه: ظاهر عبارت شهید حکایت از آن دارد که تغلیظ حکم دیه عام است و شامل قتل عمد، شبه عمد و خطای محض می شود. اما هتک حرمت در دو مورد اخیر از انواع سه گانه قتل غیر- مسلم است؛ زیرا که قاتلان در این دو قصد هتک حرمت ندارند بلکه هرگز قصد کشتن را ندارند بنابراین هتک حرمت به عمل آن دو صدق نمی کند (الروضه البهیة ۱۸۳/۱).

### نتیجه

اگر چه برخی از روایاتی که حکایت از تغلیظ دیه در ماه های حرام دارد ، اطلاق داشته و شامل قتل عمد و غیر عمد می شود اما در مقابل روایات دیگری هستند که

به قتل خطایی در ماه های حرام تصریح داشته و هیچ دلالتی بر تغلیظ دیه به میزان یک سوم ندارند که در این نوشتار روایات مذکور در گروه نخست و گروه سوم از این قبیل اند بنابراین می توان این روایات را که برخی از آنها از نظر سندی نیز قوت دارند به عنوان قرینه و مقیدی برای اطلاقات روایات گروه دوم دانست.

همچنین در کلام برخی از فقها به انتهاک (هتک حرمت) به عنوان تعلیل در تغلیظ دیه اشاره شده است، در حالی که در قتل غیر عمد و در برخی از قتل های عمد که در حکم غیر عمد و خطای محض است؛ مانند قتل عمدی کودک و دیوانه اساساً به واسطه فقدان عنصر قصد، انتهاک مصداق پیدا نمی کند، لذا اگر بپذیریم انتهاک علت تغلیظ است، این علت به صورت کامل در قتل عمد وجود دارد. در قتل شبهه عمد نیز ممکن است قائل شویم به علت بی مبالاتی قاتل و داشتن قصد فعل، انتهاک صورت گرفته است اما در قتل خطای محض وجود این علت منتفی است زیرا قاتل قتلی را انجام داده که در فعل عامد نبوده و در قصد خاطی بوده است. حال با عدم تمامیت و صراحت روایات تغلیظ در این قسم از قتل و قابلیت روایات بیان کننده حکم تغلیظ به تقیید در قتل عمد و شبهه عمد جایی برای قائل شدن حکم تغلیظ در قتل خطای محض باقی نمی ماند.

همچنین اگر ادله اجتهادی را در این جا ناتمام یافتیم مقتضی اصل عملی برائت از مقدار زاید در قتل خطای محض است از همین جهت در حکم شماره ۵۶۷۱ سال ۱۳۶۹ شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور آمده است که در موارد قتل خطای محض، دیه تغلیظ نمی گردد اگرچه در ماه های حرام واقع شده باشد (شکری، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، ص ۳۲۵). بنابراین جا دارد که قانون گذار با تجدید نظر در ماده ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی، حکم تغلیظ دیه را از قتل خطای محض سلب نماید.

#### فهرست منابع

##### - قرآن کریم

- ابن منظور، لسان العرب، أدب الحوزه، ۱۴۰۵ هـ. ق.
- الأَسَدِي، ابومنصور الحسن بن يوسف بن مطهر «علامه حلی»، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم: مؤسسه النشر الاسلامی - ۱۴۱۹ هـ. ق.
- اصفهانی، بهاء الدین محمد بن الحسن (فاضل هندی)، کشف اللثام (ط. ق)، ج ۲ قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.





- الإحسائی ، محمدبن علی بن ابراهیم « ابن ابی جمهور » ، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة ، تحقیق : سید مرعشی و شیخ مجتبی عراقی، قم : ناشر ۱۴۰۳ هـ . ق ،
- اردبیلی، احمد « محقق اردبیلی » مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان ، قم : جامعه المدرسین
- جبلی العاملی ، زین الدین، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، دارالعالم الاسلامی، بیروت: بی تا .
- ----- ، مسالك الافهام إلى تنقیح شرائع الاسلام ، تحقیق و نشر : مؤسسه المعارف الاسلامیه ، چاپ اول ۱۴۱۶ هـ .
- حر عاملی ، محمد بن الحسن ، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة ( آل البيت ) ، تحقیق و نشر : مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث - قم : چاپ دوم ۱۴۱۴ هـ
- حسینی روحانی ، سید محمد صادق ، فقه الصادق (ع) ، مؤسسه دارالکتب، قم : چاپ سوم ۱۴۱۴ هـ . .
- راغب اصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، قم : دفتر نشر کتاب ، ۱۴۰۴ هـ . ق.
- شکری ، رضا و قادر سیروس ، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی ، نشر مهاجر ، تهران: چاپ پنجم ۱۳۸۵ هـ . ش.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن ، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه .
- طبرسی ، ابوعلی الفضل بن الحسن ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، دارالمعرفه - بیروت: ۱۴۰۸ هـ .
- طوسی ، ابو جعفر محمد بن الحسن ، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار ، تحقیق سید حسن موسوی خراسان ، تصحیح : شیخ محمد آخوندی، - تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۹۰ هـ . ق
- همو، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، دارالکتب الاسلامی، تهران: چاپ چهارم ۱۳۶۵ هـ .
- همو ، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی ، انتشارات قدس محمدی - قم: بی تا ،
- فتح الله ، احمد ، معجم الفاظ الفقه الجعفری ، بی نا ، بی جا ، ۱۴۱۵ هـ . ق.
- قلجی ، محمد ، معجم لغه الفقهاء ، دارالنفاس - بیروت ، چاپ دوم ۱۴۰۸ هـ . ق.

- قمی ، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه « شیخ صدوق » ، من  
لا یحضره الفقیه ، ناشر : جماعه المدرسین فی الحوزہ العلمیہ - قم ، چاپ دوم ۱۴۰۴  
هـ
- کلینی رازی ، محمد بن یعقوب ، الفروع من الکافی ، تصحیح علی اکبر غفاری ،  
دارالکتب الاسلامیہ ، تهران: چاپ سوم ۱۳۶۷.
- مکارم شیرازی ، ناصر و جمعی از نویسندگان ، تفسیر نمونه ، انتشارات  
دارالکتب الاسلامیہ - تهران: ۱۳۶۳ .
- مصلاحی ، علیرضا ، قانون مجازات اسلامی در آراء دیوان عالی کشور ، ادبستان  
، تهران: چاپ دوم ، ۱۳۸۱.
- موسوی خویی ، سید ابوالقاسم ، مبانی تکمله المنهاج ، لطفی و دارالهادی ، قم:  
۱۳۹۶.
- ، التنقیح فی شرح العروه الوثقی ( کتاب الطهاره ) : لطفی ، چاپخانه مهر ،  
قم: چاپ دوم ۱۴۱۴.
- ، التنقیح فی شرح العروه الوثقی ( کتاب الصوم ) ، ناشر : لطفی و  
دارالهادی - قم: ۱۴۰۷ .
- موسوی خمینی ، سید روح الله ، تحریر الوسیله ، مؤسسه نشر اسلامی - قم: بی تا.  
- موسوی عاملی ، سید محمد بن علی ، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام ،  
مؤسسه آل البيت (ع) للاحیاء التراث - مشهد: ۱۴۱۰ هـ
- ، نهاییه المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام ، مؤسسه النشر  
الاسلامی ، قم: ۱۴۱۳ هـ .
- نجفی ، محمد حسن ، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام ، تحقیق رضا استادی ،  
قم: المکتبه الاسلامیہ ، ۱۴۰۴ هـ .
- نراقی ، احمد بن مهدی ، مستند الشیعہ فی احکام الشریعہ ، مشهد: مؤسسه آل  
البيت (ع) ، ۱۴۱۵ هـ .
- مجلسی ، محمد باقر ، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار ، مکتبه آیہ الله العظمی  
مرعشی نجفی ، قم ، ۱۴۰۶ ق

